

نسیبه اصغری، هنرمند محله دانشجو
۱۶سال پیش برای اولین بار معرق باتفکیک رنگ را در مشهد اجرا کرد

بوی چوب دلم را ببرد

۵۶۴

ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا
شماره روزنامه ۳۸۱۸
پنجشنبه ۱۴۰۱ | ۲۰ آذر ۱۴۰۱
شماره ضمیمه محله ۴۸۶
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از
shahraranews.ir

Mashhadchehreh.ir

مشهدچهره

@Mashhad.Chehreh

۶

گرچه بیشتر ساکنان
روستای سیدعلی کوچ
کرده اند، مسجد قدیمی
آن همچنان یادآور
هویت محله است

مسجد

صاحب الزمان (عج)

چشم انتظار مرمت



۴

شهری زیبا با همکاری همه شهروندان

۷

شروع موفقیات ایلیا



طرح تفکیک زباله از مبدأ و معرفی نرم افزارهای جمع آوری زباله از منطقه ۱۲ آغاز شد

شهری زیبا با همکاری همه شهروندان



عکس تریبینی است

میترا صدر ایدین زباله گردهایی که تا کمردر یا کس های زباله خم شده اند یا گذاشتن بی موقع زباله ها و پخش شدن آن هادر خیابان، به دور از فرهنگ شهرنشینی است. تفکیک زباله یکی از مهم ترین دغدغه های مدیریت شهری است. با این کار بسیاری از هزینه ها کسر و مبلغ آن برای سایر خدمات شهری مصرف می شود. زبایی شهر و بهبود محیط زیست از دیگر فواید طرح تفکیک زباله است. طرحی که از ۲۰ مهرماه به طور آزمایشی در محدوده الهیه و در تعدادی از مجتمع های بولوار صادقیه اجرا شده و از طرف شهروندان ساکن در این مجتمع ها باز خورد خوبی داشته است. معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد، سازمان پسماند و شهرداری منطقه ۱۲ و ساکنان مجتمع های بولوار صادقیه، چهار ضلع برگزاری این طرح هستند.

کاهش زباله گردی با تفکیک زباله از مبدأ

مدیر آپارتمان سبحان در خیابان صادقیه، مسئولیت هماهنگی همسایه ها را برای گفت و گویا مابین همسایگان دارد. او که نرم افزار «باز نیست» را روی گوشی همراه خود نصب کرده است. می گوید: اجرای این طرح، هم برای تک تک ما و هم برای کل جامعه مفید است. امروز با مشکلات زیادی در حوزه بهداشت فردی و اجتماعی درگیر هستیم. برای کنترل انواع بیماری ها باید پیش از این به بهداشت فردی و اجتماعی بپردازیم و یکی از این موارد، همین اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ است.

او ادامه می دهد: پیش از اجرای طرح هایی از این دست بیشتر شهروندان انواع زباله را یکی می کردند و زباله گرد تشویقی می شد به دنبال باز یافتی ها باشد اما با تفکیک زباله، این معضل نیز حل خواهد شد و زباله گردها به دنبال کار دیگری می روند. زباله گردها با انواع بیماری در شهر تردد دارند و می توانند باعث شیوع انواع بیماری در جامعه شوند.

زیباسازی فضای آپارتمان با درآمد حاصل از زباله های خشک

در جلسه ای که شهرداری منطقه برای ساکنان در فضای باز مجتمع برگزار می کند، سه نرم افزار «باز نیست»، «بهروب» و «اکو» معرفی می شوند. محمدرضا لشکری از اهالی محله الهیه می گوید: هر بار که مقداری زباله جمع می شود از طریق نرم افزار اطلاع رسانی می کنیم تا برای جمع آوری به مجتمع بیایند و مبلغ دریافتی آن به حساب شخصی هر فرد واریز می شود. شهرداری در روز جلسه، دو پاکس زباله تر و یک پاکس زباله خشک به همراه تعدادی پلاستیک برای هر واحد در اختیار مامی گذارد تا نتیجه کار و همکاری همسایه ها مشخص شود. یکی از اقدامات خوب همسایه ها این است که زباله های خشک را در پاکس پایین می ریزند تا مبلغ دریافتی آن برای زیباسازی فضای آپارتمان استفاده شود. تاکنون دو بار برای بردن این زباله ها خودروهای مخصوص آمده اند.

فراگیر شدن طرح، عامل موفقیت

اسماعیل ذاکری زاده یکی دیگر از ساکنان آپارتمان است و از اجرای این طرح رضایت دارد و می گوید: تاکنون دو بار زباله های خشک خود را جمع کرده ایم و تحویل داده ایم. طرح هایی از این دست به سلامت جامعه کمک می کند. کار راحتی است و به مرور عادت می کنیم. اکنون فرزندان خودم حواسشان جمع است و اگر ما هم اشتباه زباله خشک را در زباله تر بیندازیم، سریع تذکر می دهند. باز یافتی ها شامل همه موارد کاغذ، شیشه، فلز و... است و به طور آزمایشی در مجتمع ما و چند مجتمع نزدیک به ما اجرا شده است. کار با نرم افزار راحت است و با علامت زدن بر روی بخش های موجود اعلام می کنیم که برای جمع آوری چه زباله ای بیایند. اجرای این طرح در یک یا چند مجتمع کافی نیست و باید فراگیر شود. همه شهروندان آپارتمان نشین و ویلانشین باید برای شهری زیبا و پاک همکاری کنند.

در هفته های آینده برای بررسی نتایج این طرح و تأثیرات مثبت آن بر محل زندگی اهالی، دوباره در این مجتمع ها حاضر خواهیم شد تا گزارش تکمیلی راتهییه کنیم.

منطقه ۱۱

منطقه ۱۲

حفاری های چند مرحله ای در بولوار مهران نارضایتی ساکنان را به همراه داشته است

حفاری سریع و ترمیم با تأخیر



سید مصطفی بهشتی همه چیز از همان نقطه ای که برای تهیه گزارش توقف می کنیم شروع می شود. باید لاستیک خودرو را از دو مسیر حفاری شده که تازه پر شده است عبور دهیم تا خود را پارک کنیم. وقتی هم به سراغ شهروندان می رویم، قبل از اینکه صحبتی بکنند، می دانیم قرار است چه به زبان بیاورند؛ چرا که قبلاً با پیام ها ایشان موضوع حفاری های پیاپی بولوار مهران را اطلاع رسانی کرده اند و آنچه را هم نگفته اند می توانیم با چشم ببینیم. ساکنان و کسبه بولوار مهران از وضعیت آسفالت تکه تکه شده و پر مشکل این معبر انتقاد دارند.

ناهماهنگی در حفاری ها

نارضایتی از رها کردن پروژه ها، اولین موضوعی است که هاشم محمدوند به آن اشاره می کند و می گوید: اینجارا حدود دو هفته قبل برای پروژه آب کردند. فکر کنم ۱۰ روزی اینجادگر کار بودند. به نظر من که قبلاً کار عمرانی کرده ام، می شد زودتر پروژه را جمع کنند. تا اینجا مشکلی نداریم بالاخره باید کار انجام شود اما طوری نباشد که دوستان فقط به فکر کردن و انجام پروژه خود باشند و بعد از آن مردم را با مشکلاتشان رها کنند.

این ساکن محله ادامه می دهد: اکنون قسمتی را آسفالت و بقیه کار را رها کرده اند، در حالی که باید باران اینجاد گل می شود و ما به درد سر می افتیم.

عماد صباغی هم از شهروندان این محله است که وقتی متوجه صحبت ما با محمدوند می شود می گوید: چرا وقتی می خواهند آسفالت را بکنند، هماهنگ نمی کنند که همه کارهای زمینی از جمله مخابرات، آب و... را یکجا انجام بدهند؟ شما ببینید همین بولوار را در دو ماه اخیر چند بار حفاری کرده اند؟

هزینه تراشی برای شهر

دست اندازهایی در مسیر آسفالت مورد اشاره سعید پور کیانی موجود است که در این باره می گوید: این جلخانه ما است. ببینید ما سر صبح که از خانه بیرون می آییم باید لاستیک خودرو را از این آسفالت دهان باز کرده عبور دهیم. از این نقطه تا چند صد متر این طرف تر و آن طرف تر در طول بولوار مهران همین وضعیت است. بماند که برای همین حفاری حدود دو یا سه روز نتوانستیم خود را به خانه ببریم و مجبور شدیم در خیابان پارک کنیم.

پور کیانی می گوید: من از مسئولان تقاضا دارم، دلشان به حال این آسفالت و هزینه ها بسوزد. نه اینکه امروز آسفالت کنند، باز چند روز بعد بکنند و دوباره آسفالت کنند. این کنده کاری های پیاپی هزینه تراشی برای مدیریت شهری و شهروندان است. این جدا از سلب آرامش شهروندان است؛ در حالی که اگر در این موارد صرفه جویی و دقت شود، می توان پول ذخیره شده را در جایی دیگر به نفع مردم هزینه کرد.

هماهنگی در کمیسیون حفاری

رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۱ در پاسخ به انتقادهای شهروندان، انجام برخی حفاری های ناشی از حوادث را اگر بزرگ پذیر می دانند و می گوید: حفاری و کنده کاری در معابر فرعی و اصلی شهر که از پیش تعیین شده و طبق برنامه است، در کمیسیون حفاری شهرداری مطرح می شود و هماهنگی برای اجرای پروژه ها در این نهاد که اعضای آن متشکل از ارگان های مختلف هستند، انجام می شود.

مهرداد آریا فردر ادامه با وجود نقاط خاکی ناشی از حفاری های مخابرات، این موضوع وارد کرده و می گوید: مادر مدت اخیر در بولوار مهران فقط یک نمونه حفاری مربوط به جداسازی شبکه آب شرب و غیر شرب از سوی سازمان پارک ها داشتیم که بعد از اتمام پروژه، قسمتی از این مسیر هم آسفالت شده است.

بازسازی فضاهای ورزشی روباز

عملیات بازسازی و تعمیر فضاهای ورزشی روباز منطقه ۱۱ آغاز شد. این طرح برای رفاه بیشتر ورزشکاران و حفظ و نگهداری مکان‌های ورزشی با اعتبار ۴ میلیارد ریال اجرایی می‌شود. در طرح بازسازی و تعمیر فضاهای ورزشی روباز، تعمیرات فنس و رنگ آمیزی دوازده زمین ورزشی روباز منطقه، تجهیز زمین تنیس خاکی امید و زندگی و والیبال ساحلی پرستونجام می‌شود.

احداث سرعت گیر

عملیات احداث سرعت گیرهای آسفالتی در معابر منطقه ۱۱ با اعتباری بیش از ۵ میلیارد ریال اجرایی شد. سرعت گیرهای آسفالتی به منظور رفاه حال شهروندان و ارتقای ایمنی معابر منطقه برای عابران پیاده و سواره احداث شده‌اند. این سرعت گیرها در معابر اصلی منطقه از جمله بولوارهای دندان پزشکان، آموزگار و استقلال و به همت اداره حمل و نقل و ترافیک نصب شده‌اند.

احداث پایگاه مدیریت بحران

با توجه به اهمیت آمادگی برای روبارویی با حوادث و اتفاقات، پایگاه مدیریت بحران شهرداری منطقه ۱۱ در سوله‌ای به مساحت ۱۲۰۰ مترمربع احداث می‌شود. این مجموعه یک پایگاه چند منظوره است که در زمان‌های عادی به عنوان سالن ورزشی استفاده خواهد شد. پایگاه مدیریت بحران منطقه ۱۱ پیشرفت فیزیکی ۶۰ درصدی داشته است و با اعتباری بالغ بر ۳۰۰ میلیارد ریال احداث می‌شود.

برگ‌ها در راهروهای «ملت»

با تصمیم مدیران شهری در حوزه فضای سبز، برگ‌های پاییزی درختان از راهروهای بوستان ملت جمع‌آوری نخواهد شد. با توجه به ریزش برگ‌های پاییزی و مناظر زیبایی که در بوستان ملت رقم می‌خورد، این برگ‌ها در طول فصل جمع‌آوری نمی‌شوند تا شهروندان از این مناظر لذت ببرند. البته به‌طور مداوم برگ‌های پاییزی خرد شده از راهروها و فضای سبز بوستان جمع‌آوری می‌شوند.

در نشست شهردار منطقه ۱۲ با اهالی محله فردوسی مطرح شد اجرای بدون وقفه پروژه‌های زودبازده

در راستای افزایش تعاملات اجتماعی مدیران شهری با مردم و پیگیری کمبودهای محلات، نشست شهردار منطقه ۱۲ با فعالان اجتماعی و برخی اهالی محله فردوسی برگزار شد. در این جلسه که به منظور رفع کمبودهای محلات محدوده توس در اداره ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۱۲ برگزار شد، اهالی این محدوده درخواست‌های خود در حوزه‌های عمرانی و فرهنگی را مطرح کردند.

علی زینت بخش، شهردار منطقه ۱۲، در این دیدار که با حضور جمعی از اهالی محلات فردوسی (توس علیا و سفلا) و اسفندیان برپا شد، ضمن اشاره به اجرای طرح پروژه‌های زودبازده با آفرینی شهری در محدوده منفصل توس، گفت: پروژه‌های زودبازده با آفرینی شهری امیدآفرین و اعتمادساز هستند و طبق برنامه در هسته‌های جمعیتی بولوار شاهنامه بدون وقفه در حال اجراست.

زینت بخش در ادامه با اشاره به مشکلات قانونی ای که بر سر اجرای پروژه‌ها قرار دارد گفت: با وجود ابلاغ نشدن طرح تفصیلی و چالش‌های پیش‌رودر حوزه اجرا با همکاری اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک و مشارکت اداره ناحیه ۳ بی‌وقفه در تلاش هستیم تا سرعت احداث زیرسازی و جدول گذاری و روکش آسفالت معابر کاهش نیابد و همچنان پرشتاب اجرا شود.

او در ادامه ابراز امیدواری کرد، اجرای زیرسازی و احداث شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی و آماده‌سازی آسفالت خیابان‌های اصلی محله اسفندیان موجب افزایش رضایتمندی ساکنان و رونق بیش از پیش این محله خواهد شد.

زینت بخش در پایان جلسه افزود: تلاش برای ادامه آسفالت معابر در محله فردوسی و رفع موانع از حیث محدودیت‌های حریم میراث فرهنگی و تاریخی ادامه دارد و امیدواریم با هم‌گرایی و پیگیری مجموعه مدیریت شهری هر چه زودتر این موانع برطرف شود و درخواست شهروندان در خصوص معابر این محدوده محقق شود.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ خبر داد

کاهش حوادث با اصلاح هندسی



صدرا الهیه یکی از محدوده‌های جدید شهری است. مدیریت شهری در تلاش است تا استانداردهای زندگی را در این محدوده افزایش دهد. در چند سال اخیر شهروندان زیادی در این محدوده ساکن شده‌اند و به درخواست آن‌ها مشکلات این محدوده برطرف می‌شود. حوادثی که در تعدادی از تقاطع‌های محدوده الهیه پیش آمده و در گزارش‌های پلیس راهور هم مشخص است، همراه با درخواست‌های مردمی باعث شد تا امسال اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه تعدادی از این

تقاطع‌ها را اصلاح کند. رئیس اداره حمل و نقل شهرداری منطقه به سه تقاطع در این محدوده اشاره کرد و گفت: این اصلاحات با توجه به طرح‌های سازمان ترافیک در دستور کار منطقه قرار گرفته است. تقاطع صادقیه و اقدسیه ۱۳ اولین فضایی است که نیاز به اصلاح داشته و ۹۰ درصد کار آن انجام شده است. تعدادی مدرسه در نزدیکی این تقاطع قرار دارند و بیشتر عابران پیاده این تقاطع دانش‌آموزان هستند. در این دو بولوار آیلند میانی نداریم و چراغ راهنمایی آن چشمک‌زن است.

همین باعث تصادف و حادثه برای عابران می‌شد. برای این تقاطع در ابتدای آن آیلندی با عرض کم اجرا کردیم تا خودروها هنگام رفت و آمد بیشتر به قوانین راهنمایی و رانندگی توجه کنند. دومین تقاطع مربوط به بولوار امیریه و صادقیه است. مرتضی محمدی منش درباره این تقاطع توضیح داد: این تقاطع نیز چراغ راهنمایی ندارد و چشمک‌زن است. عرض زیاد و سرعت خودروها در این دو بولوار حادثه‌آفرین است. بعد از تأیید اصلاح هندسی توسط سازمان

ترافیک، اصلاح جزیره‌های راست و چپ گرد این دو تقاطع نیز آغاز شد. اصلاح تقاطع بولوار امیریه و بولوار مهدیه مورد آخر است. محمدی منش درباره این تقاطع بیان کرد: ساکنان خیابان امیریه ۳۱ تا ۳۷ برای رسیدن به بزرگراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باید وارد بولوار مهدیه شده و از دور برگردان آنجا به سمت این بزرگراه بیایند و برای اینکه تداخلی بین خودروهای این دو بولوار پیش نیاید، در انتهای بولوار امیریه دور برگردان ایجاد شد.

در اولین گردهمایی مشترک مناطق در حوزه گردشگری و زیارت بررسی شد توسعه گردشگری و زیارت با حمایت ریالی



سید مصطفی بهشتی اولین گردهمایی مشترک مناطق شهرداری مشهد در حوزه گردشگری و زیارت به میزبانی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ و در فرهنگ سرای ترافیک برگزار شد.

در این جلسه علاوه بر معاونان فرهنگی و کارشناسان گردشگری مناطق، مدیران حوزه گردشگری و زیارت شهرداری مشهد حاضر بودند و درباره مسائل و مشکلات این حوزه بحث و گفت‌وگو شد.

بررسی راه‌های تعامل بین مدیران مناطق شهرداری در حوزه گردشگری، آسیب‌شناسی مسائل این حوزه، بیان کمبودها و راهکارهای رفع آن از جمله موضوعات مطرح شده این برنامه بود که در ادامه سال به‌طور سلسله‌ای در مناطق دیگر نیز برگزار خواهد شد.

در نشست یاد شده، ظرفیت‌های گردشگری منطقه در قالب تصویری به نمایش گذاشته شد تا مسئولان حاضر با فضاهای تفریحی منطقه آشنا شوند.

همچنین در این مراسم از نمایشگاه شبیه‌ساز زیارت و گردشگری مجازی که به همت معاونت فرهنگی و گردشگری شهرداری منطقه ۱۱ و با هدف معرفی ظرفیت‌های گردشگری و زیارت برپا شده است، رونمایی شد.

تولید محتوای دیجیتال

کارشناس گردشگری و زیارت شهرداری منطقه ۱۱ در گفت‌وگو با خبرنگار شهر آرمجله ضمن اشاره به ظرفیت‌های پرشمار گردشگری در منطقه، گفت: ما برای توسعه فضاهای گردشگری نیازمند حمایت بیشتری هستیم و در این راستا تأمین اعتبار ریالی یکی از ضروریات است.

علی قهرمانی در ادامه افزود: هدف گذاری مادر زمینه گردشگری و زیارت این است که بتوانیم با اقدامات مؤثر کار کرد بیشتری برای این موضوع در شهر ایجاد کنیم تا شهروندان بیشتر با موضوعات گردشگری و زیارت درگیر شوند.

قهرمانی در پایان به برنامه ریزی منطقه برای مناسبت‌های ملی و مذهبی در ماه‌های پیش‌رو اشاره کرد و گفت: با توجه به اجرای موفق نمایشگاه شبیه‌ساز زیارت و گردشگری مجازی، تلاش می‌کنیم بستری در منطقه مهیا کنیم تا بتوانیم در مناسبت‌های پیش‌رو هم محتوای دیجیتال مرتبط را تولید کنیم.

در پایان این برنامه فرهنگی مسئولان حاضر از فضاهای گردشگری منطقه شامل پارک گل‌ها، خردسرای فردوسی، زورخانه پاسارگاد، کشت پارک و رود پارک بازدید کردند و با بخشی از ظرفیت‌های گردشگری منطقه آشنا شدند.

خلق تصاویر سه بعد

دانشگاه هنر همان طوری داشتند و دیدن همین اصغری شروع می‌کنند بعد هم می‌گویند: الان را اول رami زد که دکترای مختلف هنری را کار کردند وقتی در کارگاه، چوب را آن اشتباه می‌کردم، از این هم یک طرف، این است. مجموع این‌ها باعث شد اصغری که بسیار تحت تأثیر نمی‌تواند حق مطلب را که روی در یک خانه روس این استاد، تصاویر را روی او چندین تصویر دیگر آن‌ها، زیبایی اش را در چند سؤال‌های متعدد در این از جاده، تابلویی است که حاوی تصویر را روی چوب هم تکه برش خورده چوب او چشمانش را تیزتر و دقیق‌تر به خطا رود، باید از نو بر نشان می‌دهد. بر هر آنکه

سرانجام تابلوها می‌پوشد

سایه روشن تصویر تابلوها چوب‌ها رنگ شده‌اند، اما خودش را دارند. رنگ‌ها او بی‌رسم مگر همه رنگ چوب دنیای هنر را به چشم می‌برد. حساب اینکه کنار چوب می‌کند، به عنوان مثال سبزی اش به چشم نمی‌گذشته شود، قهوه‌ای دیدن اصغری صحبت‌هایش را اگر رنگ‌های زرد و آبی را چوب‌ها، باید چوب‌های دیده شود، بعد هم در باره

روزنامه را بغل کردم و از شادمانی فریاد زدم

نقطه عطف زندگی من سیبیه اصغری به سال ۷۷ بازمی‌گردد. زمانی که سال سوم دبیرستان بوده و در رشته تجربی تحصیل می‌کرده است: «آن موقع تفکر اشتباهی بین مردم رایج بود و می‌گفتند افراد تنبل به هنرستان رفتی و حرفه‌ای می‌روند. من هم زیر بار این فشار اجتماعی، در دبیرستان رشته تجربی را انتخاب کردم. یک سال مانده به کنکور، سریال «در پناه تو» از تلویزیون پخش می‌شد. دانشجویان این سریال که در دانشگاه هنر درس می‌خواندند من را عجیب جذب کرده بودند. رفت و آمد این‌ها در دانشگاه، درس‌هایشان، مراد ایشان با یکدیگر و استادان، فوق‌العاده برایم جذاب بود. هر بار که این سریال را می‌دیدم فقط یک رؤیای ذهنی ایجاد می‌شد، آن هم این بود که بتوانم یکی از این‌ها باشم.» اصغری موضوع را با پدرش در میان می‌گذارد. به قول خودش پدری همراه و پاینده داشته است اما وقتی این خواسته دخترش را می‌شنود، نگران این می‌شود که او بدون هیچ آشنایی تئوری با کتاب‌های هنر، چطور در این رشته در کنکور شرکت کند.

این هنرمند محله دانشگاه تجربی می‌کند: آن زمان به یکی از هنرستان‌ها مراجعه کردم که بتوانم ادامه سال سوم دبیرستان را در آنجا بگذرانم. اما موافقت نکردند و گفتند باید از اول به هنرستان می‌رفتم. چاره‌ای نداشتم، جز اینکه تجربی را تمام کنم و برای کنکور، کتاب‌های رشته هنر را بخوانم، اما آن زمان حتی در پاساژ سعیدی مشهد کتاب‌های رشته هنر را نمی‌شد پیدا کرد. با پدرم راهی تهران شدیم تا از بازار کتاب آنجا کتاب‌های لازم را بخریم. شماره تماس چند کتاب‌فروش را هم گرفتیم و بعد از آن هر کتابی لازم داشتیم، زنگ می‌زدیم و آن‌ها برایم می‌فرستادند.

از اینجا به بعد، درس‌های تجربی برای او باری اضافی بودند اما در مقابلش، کتاب‌های هنر را منجی خود می‌دانسته است. با اشتیاق آن‌ها را می‌خوانده تا به آرزویش که تحصیل در رشته هنر بوده است برسد. سرانجام هم آن روز خاطره‌انگیز فرامی‌رسد و نامش را در فهرست قبول شدگان رشته صنایع دستی دانشکده هنر تهران می‌بیند. به قول خودش سراپانمی شناخته و روزنامه را بغل کرده و از شدت شادمانی فریاد می‌زده است.

سیبیه اصغری، هنرمند محله دانشجوی ۱۶ سال پیش برای اولین بار معرق با تفکیک رنگ را در مشهد اجرا کرد

بوی چوب
دل‌م را بردمنطقه
۱۱

فهمیده شهری از در که وارد می‌شوی، بوی چوب در مشام می‌پیچد. نه درختی در کار است و نه جنگلی، اما همان بوی چوب کافی است تا حس طراوت و تازگی درخت و جنگل برایت تداعی شود. خلق آثار هنری با چوب، زیبایی و دل‌نشینی آن را در چندان کرده و در کنار چوب‌های به اصطلاح خام، تابلوهایی بر دیوار تکیه داده‌اند که با تکه‌های چوب، تصاویری از طبیعت را به نمایش می‌گذارند. دختر گل فروش، صحنه‌هایی از طبیعت روستا، سبد میوه و دو چرخه‌ای که در خیابان گل می‌پراکند، تعدادی از این تابلوها هستند. در هر تابلو ده‌ها رنگ به کار رفته است. اول تصور کردم چوب‌ها رنگ شده‌اند؛ اما بعد از گپ و گفت با سیبیه اصغری که خالق این آثار هنری است، فهمیدم همه آن‌ها رنگ طبیعی خود چوب هستند. چوب بنفش، صورتی و امثال آن را فقط در نقاشی‌ها دیده بودم، اما به گفته این هنرمند همه رنگ چوب داریم. البته جلوه کردن این رنگ‌ها فوت و فن بسیاری دارد؛ به عنوان مثال چوب افاقیا باید در کنار چوب زرشک قرار بگیرد تا به رنگ سبز دیده شود. همین‌ها بود که گفت و گوی ما با این هنرمند چهل ساله محله دانشجوی را به درازا کشاند. ورود او به دنیای هنر هم داستان خودش را دارد. در رشته تجربی تحصیل می‌کرده اما بعد از دیدن یک سریال، تصمیم می‌گیرد در رشته هنر ادامه تحصیل دهد و نتیجه اش این می‌شود که امروز از مدرسان هنر معرق روی چوب است و علاوه بر آموزش به ۳۰۰ هنرجو در ۱۰ نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت کرده است. به گفته خودش اولین فردی در مشهد بوده است که هنر معرق با تفکیک رنگ را اجرا کرده است.



ر که انتظارش را داشت، دنیایی متفاوت بود. استادانش هنرمندانی بودند که علم و هنر را در کنار هم ستادان نمونه، انگیزه‌های او را پیش از پیش می‌کند. به اسم بردن از استادانش، نام هفت هشت نفر را می‌برد و با هم نگران است که کسی جانمانده باشد. انمی دانم، اما استادان زمان ما بسیار باسواد و با هنر بودند، بعضی هایشان آن قدر هنرشان حرف فسخاری داشتند. دیدن این هاروح هنر دوست انسان را تازه می‌کرد. همراه این استادان رشته‌های هم، بسفالگری، قالی بافی، مجسمه‌سازی و... امارشته معرق و کار باچوب برایم جذابیت دیگری داشت. برش می‌زدیم و بوی آن بلند می‌شد، دلم غنچ می‌زد. تنها رشته‌ای بود که وقتی در کارگاه‌های عملی نیکه برکردم و کارم را درست کنم، لذت می‌بردم. البته همه این‌ها یک طرف، استاد مهران امیراینلو دربرایم نماد کامل انسانیت بود. هنرش هم حرف اول را می‌زد. کارهای منحصربه‌فرد و جالبی داشت که سمت هنر باچوب بروم.

فیر این استادش بوده، شروع می‌کند به تعریف کردن از او، اما بعد از چند جمله احساس می‌کند این طوری ادا کند، بنابراین تلفن همراهش را در می‌آورد و تصاویری را نشان می‌دهد؛ عکس اول یک سنجاقک است ستایی نشسته است. بعد توضیح می‌دهد: سنجاقک، یک عکس بود و در خانه روستایی، یک عکس دیگر. می‌هم انداخته و تصویر جدیدی که ایجاد شده را با هنر معرق به سبک تفکیک رنگ، روی تابلو اجرا کرده است. اهم نشان می‌دهد. تصاویر با وجود اینکه باچوب خلق شده‌اند، جنبه سه بعدی دارند و ترکیب رنگ فوق العاده بدان کرده است.

ماره چگونگی خلق این آثار، اصغری را پشت میز می‌برد تا در عمل، چگونگی کار را نشانم دهد؛ یک گاری در حال عبور به دارد روی آن کار می‌کند. عکس این تصویر از قبل چاپ شده است و بر روی یک تکه چوب قرار گرفته است. این چوب ب‌های چهار میلی‌متری دیگری که هم رنگ عکس هستند، با میخ می‌کوبد و بعد با آره شروع به بریدن می‌کند. در ادامه ب‌وی زیری را با انگشتش آغشته به چسب می‌کند و روی تابلو می‌گذارد. بعضی قسمت‌ها حتی کمتر از یک میلی‌متر هستند و بقیق تروری تصویر می‌دوزد. همین طور که آره را روی جاهای ظریف تصویر می‌آورد، استرس بر دلم سایه می‌اندازد. اگر ذره‌ای آره ش‌بزند، وقتی سرعتش را زیاد می‌کند، نگران بریدن دستانش می‌شوم که خنده‌ای می‌کند و درهای روی انگشت‌های دستش را گشتش اثری از بریدگی‌هاست. اما همچنان بلند شدن بوی چوب، چنان به او انرژی می‌دهد که به این دردها و زخم‌ها اهمیت نمی‌دهد.

سای روی دیوار آن قدر دقیق و زیباست که گمان می‌کنم اصغری می‌گوید که تمام چوب‌های تابلوها رنگ طبیعی ی خاص بعضی تابلوها باعث می‌شود با تا کیدی دوباره از بوب داریم و بعد این هنرمند توضیحاتی می‌دهد که بزرگی کشد: همه چوب‌ها زمینه رنگی شان قهوه‌ای است اما های روشن تر یا تیره تر گذاشته شوند، رنگ دیگری جلوه بوب اقا قیاسباز است اما اگر کنار چوب گردو گذاشته شود آید. چوب عناب هم قرمز است اما اگر کنار چوب‌های زرد بده می‌شود.

ن گونه‌ای می‌دهد: در نقاشی، به عنوان مثال می‌دانیم با هم مخلوط کنیم رنگ سبز به دست می‌آید اما در باره رنگ مختلف را طوری کنار هم بچینیم که رنگ مورد نظر و وزن رنگ‌ها صحبت می‌کند و مثالی می‌زند: فرض کنید لباسی داشته باشیم که رنگ کل این لباس زرد باشد و فقط یک گل بنفش روی آن گذاشته

باشند، چون وزن رنگ بنفش بیشتر از زرد است، آن گل بنفش بیشتر به چشم می‌آید. در چوب‌ها هم رنگ‌های مختلف چوب را باید با چنین قوانینی کنار هم بچینیم تا چوبی به رنگ صورتی، بنفش، خاکستری و... دیده شود.

اصغری سال ۸۳ برای یادگیری بهتر هنر معرق روی چوب، در کلاس‌های خصوصی استادش، امیراینلو، شرکت می‌کند و پیش او معرق به سبک تفکیک رنگ را یاد می‌گیرد.

این هنرمندی می‌گوید: مبدع و مخترع معرق به سبک تفکیک رنگ، همین استادم بود و این سبک به نام او ثبت شده است. من هم این هنر را از او یاد گرفتم و بعد از پایان تحصیلاتم، راهی مشهد شدم و با اجاره کردن مغازه‌ای، علاوه بر تولید و فروش تابلوها به آموزش دادن این سبک به دیگران پرداختم. در واقع اولین نفری بودم که این هنر را وارد مشهد یا حتی استان کردم.

او تعریف می‌کند: سال ۸۵ که این مغازه را اجاره کردم، این قدر متقاضی برای یاد گرفتن سبک معرق به سبک تفکیک رنگ داشتم که صبح، هنوز چراغ‌های پاساژ خاموش بود، من وارد می‌شدم و شب، وقتی چراغ‌ها خاموش بود، خارج می‌شدم. در این مدت پشت در مغازه‌ام، هنرجویان صف کشیده بودند و یکی پس از دیگری می‌آمدند تا کار را یاد بگیرند.

او یادی از مادر بزرگش می‌کند و با چشمانی که از خاطره‌ها برق می‌زند، می‌گوید: خدا همه مادر بزرگ‌ها را حفظ کند. وقتی در حال یادگیری هنر معرق بودم،

چون هزینه تابلوها یم زیاد می‌شد مادر بزرگم می‌گفت

که این تابلوهای نسبیبه فقط پول می‌خورد،

معلوم نیست کی پول پس می‌دهد. وقتی سرم شلوغ شده بود و سفارش‌های متعدد داشتم، مادر بزرگم می‌گفت که می‌دانستم یک روزی تابلوها پل پول پس می‌دهد. این هنرمند علاوه بر نمایشگاه بین المللی مشهد در نمایشگاه‌های بین المللی تهران، بندرعباس، تبریز و شهرستان نور شرکت کرده و آثارش را سال ۸۹ به نمایشگاهی در دبئی فرستاده است.

به گفته او اقتصاد هنر در ایران جایگاه خوبی ندارد، به ویژه طی چند سال اخیر که شرایط اقتصادی مردم سخت شده است، هنرمندان تنگناهای مالی مضاعفی را تحمل می‌کنند، چرا که تولیداتشان فروخته نمی‌شود.

به نظر اصغری مردم کشورهایی که از لحاظ مالی رفاه بیشتری نسبت به ایرانیان دارند، ارتباط بهتری با هنر برقرار می‌کنند و استقبال بیشتری هم از آثار هنری می‌کنند اما کسانی که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، با هنر هم بیگانه می‌شوند. این در حالی است که به نظر او از طریق هنر می‌توان فرهنگ ایران را به دیگر کشورها فرستاد و داخل کشور هم آن را برای مردم تقویت کرد تا جوانانمان دچار بحران‌های هویتی نشوند و قدر فرهنگ غنی خودشان را بدانند.

این هنر برای شاگردانم در آمدز ابود

اصغری صحبت‌هایش را از سر می‌گیرد: شماره تماس و نام و نشان هیچ کدام از شاگردان آن زمان را ندارم، فقط می‌دانم تا کنون به حدود سیصد نفر آموزش داده‌ام اما بارها پیش آمده است همین شاگردان نزد من آمده‌اند و بابت آن روزها تشکر کرده‌اند. یکی از شاگردهایم همین چند ماه پیش آمد. من او را نشناختم. خودش را معرفی کرد و گفت: بعد از آموزش‌های من در یک کارگاه میل‌سازی که میل‌های گران قیمت دست‌ساز دارد، مشغول کار شده و روی میزهای آن‌ها طرح‌های معرق کار می‌کند و با درآمد

تابلوهایی که از دیگر کشورها سر در آوردند

او که مشتری‌بان زیادی از ایرانیان مقیم خارج دارد، با ذوقی که در کلامش پیدا است، تعریف می‌کند: روزی یکی از مشتری‌بانم عکس تابلویی را نشانم داد که روی پیاپو بود، گفتم این تابلو کار من است. بعد آن مشتری گفت وقتی به خانه زن دایمی‌اش در کانادا رفته است از این تابلو خوشش آمده

خوبی که دارد، زندگی‌اش زیر و رو شده است. خیلی از هنرجویانم معلم بودند و این هنر را در کارگاه‌های مدارس آموزش می‌دهند. دوسه تا از هنرجویانم هم وقتی بعد چندین سال به دیدنم آمدند، گفتند که در حال آموزش دادن این هنر به معلولان هستند.

اصغری شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و با افتخار می‌گوید: زکات علم و هنر، آموزش آن است. واقعا خوش‌حالم که توانسته‌ام به ده‌ها نفر این هنر را یاد بدهم. می‌دانم حتی در شهرستان‌ها هم هنرجویانم مشغول کار هستند و امیدوارم روزی که از این دنیا می‌روم، یک نام نیک از من به یادگار بماند.

یکی از هنرجویان او در نزدیکی خودش مغازه دارد اما این موضوع نه تنها باعث ناراحتی او نشده، بلکه شادمان است و دوست دارد تعداد همکارانش بیشتر از این باشد. او با شوق زیادی از دوران دانشجویی‌اش یاد می‌کند: گاهی که همراه دوستان دانشگاه به بازار عتیقه‌فروشی‌های تهران می‌رفتم، آنجا بیشتر کسبه راسته بازار با هم رفاقت داشتند. وارد هر مغازه‌ای می‌شدیم که جنس مورد نظرمان را داشت، فروشنده می‌رفت بقیه همکارانش را صدا می‌کرد و از آن‌ها می‌پرسید آیا شما این جنس را دارید، اصغری دوست دارد در مشهد هم بین او و دیگر همکارانش به جای حسادت و رقابت‌های مخرب، چنین مراودات دوستانه‌ای برقرار باشد.

رنگ سفارش داده است که هر کدام، یکی از نقاشی‌های سهراب سپهری بوده‌اند.

اومی‌گوید: قدیم که فضای مجازی به شکل کنونی نبود، مشتری‌بان دیگر شهرها و کشورها، با رایانه‌ها برایم عکس می‌فرستادند و از روی آن عکس‌ها، تابلوهایشان را آماده و با پست ارسال می‌کردم. اما اکنون بیشتر این سفارش‌ها در فضای مجازی انجام می‌شود.

واو گفته از ایران آن را خریده است. بعد هم این فرآمده بود تا تابلو دیگری را بخرد.

او مشتری‌بانی از کشورهای عربی هم داشته که تابلویی را خریده و بعد از رفتن به کشور خودشان، تماس گرفته‌اند و تابلوهای دیگری برای اقوامشان سفارش داده‌اند. حتی یک روان‌شناس که در کشور کانادا مرکز روان‌کاوی داشته است، برای درمان‌گاهش شانزده تابلو معرق به سبک تفکیک

گرچه بیشتر ساکنان روستای سیدعلی کوچ کرده‌اند، مسجد قدیمی آن همچنان یادآور هویت محله است

مسجد صاحب الزمان (عج)، چشم انتظار مرمت



منطقه
۱۲



رضاریا قدیمی‌ها به این ضرب‌المثل اعتقاد عجیبی دارند که می‌گویند: «از تو حرکت، از خدا برکت! موضوعی که اهالی روستای «سیدعلی» هنگام ساخت مسجدشان آن را با پوست، گوشت و استخوانشان لمس کرده‌اند. شاید در هیچ جای ذهنشان خطور نمی‌کرد که بادست خالی و بدون همراهی و کمک سازمان‌های متولی، بتوانند در مسیر بنا کردن مسجدی گام بردارند که به آرزوی محالشان تبدیل شده بود، اما اعلی (ع) گفتند و کمر همت بستند و صفر تا صدش را به‌طور خودیاری، برنامه‌ریزی و شروع به ساخت کردند.

آن روزها خبری از شهر و یافت شهری نبود و «سیدعلی» نام یک روستای کوچک دور از شهر بود. کل جمعیت آن از پانزده خانوار بیشتر نمی‌شد. همان روستایی که حالاً انگشت شمار از اهالی آن باقی مانده است و شصت سال پیش، سنگ بنای مسجد صاحب الزمان (ع) را گذاشتند.

زمین وقفی ارباب، مسجد شد

گاهی اوقات اگر بخواهیم از مکانی بنویسیم، باید بگردیم و تاریخچه آنجا را پیدا کنیم، اما حالا که قرارمان این است از تاریخچه مسجد صاحب الزمان (ع) در خیابان شاهنامه ۶۸ در محله چهار برج صحبت کنیم. سندنزده آن پیش روی ماحضور دارد و می‌تواند از روزگار ساخت و تأسیس آن بگوید.

از همان اوایل دهه ۴۰ که ارباب روستای «سیدعلی» تصمیم گرفت بخشی از زمین‌هایش را وقف مسجد و حسینیه کند تا برای اوقایات صالحات شود.

از اهالی قدیمی روستای سیدعلی که در ساخت مسجد حضور داشتند، افراد زیادی باقی مانده‌اند، یکی از آن‌ها حاج محمدعبیدی است.

او از همان سالی که مسجد صاحب الزمان (ع) ساخته شده تا کنون خادم مسجد است و به قول خودش شصت سالی می‌شود که کفش نمازگزاران را جفت می‌کند؛ سرزمین کشاورزی بود که ارباب آمد و گفت اگر بخواهم زمین داخل روستا را مسجد کنم، کمک می‌کنید؟ من از خوش حالی گفتم حتما، خودم خادم مسجد می‌شوم؛ کار از همان جا آغاز شد، همسایه‌ها پای کار آمدند. خودم هم ساعت‌های بیکاری ام در بنایی کمک می‌کردم تا هر چه زودتر مسجد ساخته شود.

مسجدی که مردمی ساخته شد

برای ساخت مسجد صاحب الزمان (ع) اهالی آستین بالا زدند تا مسجدی را در روستای «سیدعلی» بسازند. مسجدی با سقف شیروانی به مساحت ۲۰۰ مترمربع که یک آبدارخانه کوچک، یک آشپزخانه و دو سرویس بهداشتی داشت و در زمینی به وسعت ۵۰۰ مترمربع احداث می‌شد؛ به همت اهالی هیچ هزینه‌ای برای نیروی کار پرداخت نشد، هرکسی هرچه دستش می‌رسید برای ساخت مسجد کمک می‌کرد. یکی چوب می‌آورد، یکی سطل می‌آورد، یکی کلنگ می‌زد، یکی گل‌مالی می‌کرد. سختی کار این بود که نه آب دم‌دستان بود و نه مصالح. باید برای درست کردن یک تشت گل می‌رفتند سرقات که از جلو قلعه‌رد می‌شد، با سطل آب می‌آوردند تا اوستاملات درست کنند و آجرها را به هم بچسباند. خلاصه همه دوست داشتند نخودی در این آش‌بیندازند و ما را همراهی کنند. در آخر هم یک سال طول کشید تا بنای مسجد در یک طبقه ساخته شود و اهالی اولین نماز جماعت را در مسجد اقامه کردند.

مسجد حال و هوای قدیم را ندارد

هر یک از ما از همان دوران کودکی آرزوهای داشته‌ایم که با تلاش و کوشش به برخی از آن‌ها رسیده‌ایم و هنوز در رؤیایمان آرزوهای دیگرمان را جست‌وجوی کنیم. فکرمی‌کنم افرادی کمی باشند که در همان کودکی آرزوی خادمی خانه خدا را داشته باشند. یکی از آن‌ها خادم مسجد صاحب الزمان (ع) است که حالا صدایش با بغض همراه شده است و حلقه اشک را می‌توانیم در چشمانش ببینیم. نمی‌دانم دلیلش مرور خاطرات است یا حسرت فراموشی برخی خاطرات خوش آن روزگار. او در این مسجد هم فراش و چراغدار بوده، هم خادم و آبدارچی، گاهی هم آشپز و میان‌دار هیئت. حاج محمد که امروز ۸۳ سال دارد، می‌گوید: هم‌زمان با ساخت این قلعه، پرچم عزاداری اهل بیت (ع)

هم توسط جمعیت روستا که پانزده خانوار بیشتر نبودند برافراشته و مجالس عزاداری در خانه‌ها برپا شد. در واقع همین مجلس‌ها پنهانی شدند برای ساخت بنای اولیه مسجد صاحب الزمان (ع) توسط قدیمی‌های روستای سیدعلی. از همان سال اول در مسجد پروبایی بود، هر روز نزدیک به ۱۰۰ نفر برای نماز جماعت به مسجد می‌آمدند اما از هفت هشت سال پیش که ویلاسازی در اینجا رونق گرفت و بومی‌های زمین‌های کشاورزی را فروختند و به شهر رفتند. مسجد خلوت شد و حال و هوای گذشته را ندارد.

مسجدی که هرگز مرمت نشد

حاج محمد صحبتش را این گونه ادامه می‌دهد: حتی از دوسال پیش و با شیوع کرونا دیگر امام جماعت هم نداریم. برای همین به ندرت مردم برای نماز جماعت به مسجد می‌آیند. البته من معتقدم چراغ مسجد نباید خاموش بماند. به همین دلیل اگر کسی باشد یا نباشد، هر روز ظهر و مغرب در مسجد ارباب می‌کنم، چراغ‌ها روشن می‌کنم و از بلندگواذان پخش می‌کنم تا مسجد سوت و کور نماند. مسجد صاحب الزمان (ع) در طول حیات شش

دهه‌اش هیچ‌گاه بازسازی و مرمت نشده است البته سال ۸۰ برخی خیران محلی مانند حاج اکبر سلیمانی دستی به سر و روی مسجد کشیدند. آن‌ها در گام نخست کل شیروانی و حلبی‌هایی که در آن کار شده بود، جمع و سقف مسجد را ایزوگام کردند، نمای مسجد هم سنگ کاری شد و تعدادی هم آب‌گردان، قلیفت و ظروف پذیرایی برای مسجد خریدند. همین و بس!

حاج محمد عبیدی می‌گوید: چند سال پیش که این محله به محدوده شهری متصل شد، از شهرداری آمدند و ایزوگام سقف مسجد را بازسازی کردند. قول دادند حیاط مسجد را که موزاییک‌هایش کنده شده و سرویس‌های بهداشتی را که دیگر قابل استفاده نیست هم مرمت کنند که دیگر خبری از آن‌ها نشد. سنگ‌نمای مسجد هم این‌الان در حال ریزش است، روحانی هم نداریم.

مسجد، مهم‌ترین پایگاه مردمی محله

خادم قدیمی مسجد صاحب الزمان (ع) سری به نشانه تأسف تکان می‌دهد و می‌گوید: این مسجد در سال‌های گذشته مهم‌ترین پایگاه مردمی محله بوده است. اگر اختلافی بین اهالی پیش می‌آمد ریش سفیدها در همین مسجد بعد از نماز دور هم جمع می‌شدند و اهالی را که کدورتی بینشان پیش می‌آمد، آشتی می‌دادند. سال‌های اول انقلاب اسلامی در همین مسجد، اولین گروه بسیج محله شکل گرفت و بیشتر راهپیمایی‌ها در همین مسجد سامان دهی می‌شد، بعد از انقلاب هم بسیاری از جوانان در همین مسجد ثبت‌نام کردند و راهی جبهه شدند. هر سال در ماه مبارک رمضان، همین‌جا، دیگرهای غذا ارباب می‌گذاشتند و سفره افطار می‌انداختند. شب‌های قدر هر سال اینجاست رکعت نماز قضا خوانده می‌شود، بعد دعای جوشن کبیر، قرآن به سرگرفتن و... هر سال دهه اول محرم مردم اینجا غوغا می‌کردند. این مسجد قدیم‌ها جای سوزن انداختن نبود، حیف!

نوجوان کاراته کار محله الهیه
در اولین مسابقه اش مقام نخست کشوری را کسب کرده است

شروع موفقیت ایلیا



امید
محله

میترا صدرادقیق و منظم است و همیشه سر وقت خودش رابه تمرین می رساند. انگیزه و هدف دارد و برای رسیدن به هدفش در تمرینات کوتاهی نمی کند. کمر بند قهوه ای دارد و باید راه درازی را پشت سر بگذارد تا حرفه ای شود و مدال طلای جهان رابه گردن ببندد. حسن پیردل متولد ۱۳۸۴ و ساکن محله الهیه است. چهار سال است که کاراته کار می کند و دو سال هم به دلیل کرونا از میدان مسابقات و تمرینات جدی دور بوده است. ولی امسال توانسته در مسابقات کشوری و استانی سبک کیوکوشین مقام اول رابه دست آورد.

تمرینات فشرده؛ راه رسیدن به موفقیت

پدرش مهندس عمران و مادرش کارشناس معماری و خانه دار است. حسن که او رابه نام ایلیا صدا می کنند، با پیش نهاد پسر همسایه سراغ کاراته می رود و از ده سالگی این رشته را شروع می کند. با اینکه پدرش فوتبالیست است ولی او به ورزش های رزمی علاقه دارد. حسن می گوید: از کودکی مبارزه کردن را دوست داشتم و می خواستم حرفه ای تر باشم. اولین مبارزه جدی حسن در همین مسابقات کشوری بوده است. شهر یورماه امسال همراه مربی و هنرجویان باشگاه نیایش در محله جاهد شهر راهی شهر یزد می شود. در اولین مسابقه استرس زیادی دارد. حسن می گوید: در این مسابقات در دو بخش کاتا و کمیته شرکت کردم. در بخش کمیته (مبارزه) از حرفه ایان شکست خوردم و در بخش کاتا (فرم و نمایش) توانستم مقام اول را در رده سنی ۱۳ تا ۱۷ سال به دست آورم. این مسابقه تجربه خوبی بود. در بخش مبارزه استرس زیادی داشتم. با اینکه شکست خوردم ولی متوجه شدم باید با انگیزه بیشتری تمرینات و تلاشم را برای رسیدن به موفقیت دنبال کنم. بعد از بازگشت از مسابقات کشوری یک ماه به طور فشرده کار کردم و در مسابقات استانی که به میزبانی طرقله برگزار شد، رتبه اول را در کمیته (مبارزه) به دست آوردم.

در آرزوی کسب مقام قهرمانی جهان

بهترین خاطرات او از روزهای تمرین و حرکات سختی بود که انجام می داد. اما سختی تمرینات باعث نشده است پاپس بکشد. حسن می گوید: روزی دو تا سه ساعت در باشگاه تمرین می کردم و بعد هم به طور فشرده در خانه تمرین را ادامه می دادم. بخشی از تمرینات ما دویدن دور بوستان نیایش در نزدیکی باشگاه است. حسن دانش آموز کلاس نهم است و به دلیل علاقه زیادی که به حیوانات دارد، دوست دارد در آینده دام پزشکی شود. دانش آموز درس خوان و با انضباطی است و برای همه کارهایش برنامه ریزی دارد. نمی خواهد به خاطر ورزش از درس غافل شود. می گوید: ورزش کردن را دوست دارم و می خواهم در مسابقات جهانی مدال بیاورم و بعد هم مربی شوم، اما ادامه تحصیل را هم راه رسیدن به موفقیت می دانم. کاراته به او کمک کرده است تا بهترین درس بخواند و اعتماد به نفسش بیشتر شود. حالا مطمئن است می تواند از خودش دفاع کند. او به دوستانش پیشنهاد می دهد که همیشه ورزش کنند و یک رشته رابه طور حرفه ای تمرین کنند تا جسم و روح سالمی داشته باشند.

اعیانگاه

دانش آموزان منطقه ۱۱ میهمان
جشن کتاب بودند

ترویج کتاب خوانی به زبان کودکان



منطقه

۱۱



سید مصطفی بهشتی ادر ورودی سالن، نمادهایی از کتاب قرار گرفته است و تصویر جلد چند کتاب کودک هم روی دیوار به چشم می خورد. به ورودی سالن که می رسیم سروصدای بچه هایی به گوش می رسد که درگیر بازی و مسابقه شده اند و در سالن آملی تئاتر فرهنگ سرای ترفیج، مشغول جشن کتاب و کتاب خوانی هستند.

این برنامه فرهنگی با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی به همت اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ و با حضور دانش آموزان برپا شده است.

مفاهیم اخلاقی در جشن کتاب

کارشناس فرهنگی شهرداری منطقه با اشاره به برنامه ریزی مجموعه مدیریت شهری در راستای ترویج فرهنگ مطالعه، می گوید: برنامه ویژه هفته کتاب و کتاب خوانی را با حضور دانش آموزانی از مدارس منطقه برگزار کرده ایم و سعی داریم با سرگرمی و زبان کودکانه، آن ها رابه سمت کتاب و کتاب خوانی جذب کنیم. وحید نعمت نیا ادامه می دهد: برای این برنامه بخش هایی از قبیل مسابقه، معرفی کتاب و نمایش در نظر گرفته شده که مورد استقبال دانش آموزان هم بوده است. نعمت نیا در ادامه می گوید: سعی داریم در این برنامه با رجوع به کتاب های مختلف، مفاهیم اخلاقی را بیشتر به دانش آموزان معرفی کنیم، چرا که از این طریق می توانیم به تحکیم فضای خانواده کمک کنیم.

مدیر یکی از مدارس منطقه که دانش آموزانش در این برنامه فرهنگی حاضر هستند، می گوید: برگزاری این برنامه ها با یاد علاوه بر ایجاد نشاط و هیجان، محتوای مناسبی رابه دانش آموزان منتقل کند.

سودابه پارسا ادامه می دهد: استقبال دانش آموزان دبستانی از این برنامه خوب بود. ماسعی کردیم با حضور بچه ها در این برنامه به ترویج فرهنگ مطالعه کمک کنیم و فکر می کنم بچه ها هم از این برنامه راضی بودند و استفاده کردند.

پارسا در ادامه می گوید: یکی از راهکارهایی که می تواند به ترویج فرهنگ کتاب خوانی به ویژه در نسل جدید کمک کند، برگزاری نمایشگاه های محلی کتاب و نمایشگاه هایی در فضای مدارس است. کاری که می تواند در حاشیه برنامه هایی مانند برنامه جشن کتاب امروز برپا شود.

مرفی کتاب به دانش آموزان

نرگس عباس زاده از دانش آموزان حاضر در این برنامه است که با نشاط زیادی به تماشای جشن کتاب و کتاب خوانی نشسته است. «پیری عمو» نام آخرین کتابی است که او خوانده و درباره حسش به کتاب خوانی می گوید: برادر بزرگ ترم برای من کتاب می گیرد که بخوانم. امروز هم درباره کتاب از من سؤال کردند که جواب دادم و برنده جایزه شدم.

میزگان فرحانی هم کلاسی متین و از دیگر دانش آموزان حاضر در برنامه جشن کتاب و کتاب خوانی منطقه ۱۱ است. او درباره کتاب خواندن می گوید: در مدرسه ما بچه ها را زیاد به کتاب خوانی تشویق می کنند و به هر کدام از ما پنج کتاب معرفی می کنند که در طول سال بخوانیم.

منطقه

۱۲

محلات منطقه ما:

۱۱: زیباشهر، آزادشهر، شهید رضوی، سیدرضی دانش آموز، دانشجو، تربیت، شریف و فارغ التحصیلان

۱۲: الهیه، امیریه، وکیل آباد جاهد شهر، کلا ته بر فی فردوسی، چهاربرج، مجیدیه، رحمانیه، نقویه، صادقیه

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
 دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
 دبیر شهرآرا محله منطقه ۱۱ و ۱۲: مصطفی بهشتی
 تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶
 تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۱۲: ۳۱۳۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
 دفتر منطقه ۱۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، مجموعه ورزشی گلسا، طبقه اول
 دفتر منطقه ۱۲: سجادیه ۲۹، شهید حسینی ۲، ساختمان شماره دو شهرداری منطقه ۱۲
 پست الکترونیک: mahalle11@shahrara.ir
 mahalle12@shahrara.ir
 کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
 دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir

کوچه‌ای برای توان‌یابان

سید مصطفی بهشتی | کوچه رحمانیه ۱۷ از معابر فرعی محله رحمانیه است که چند مدرسه و فضای آموزشی را در خود جای داده و احداث این بناهای آموزشی موجب شده است فضایی برای ساخت مجتمع‌های مسکونی باقی نماند. احداث چند بنای ویژه کودکان و دانش‌آموزان معلول پای این قشر از جامعه را به این معبر باز کرده است. نکته جالب درباره کوچه رحمانیه ۱۷ این است که فقط اراضی یک ضلع آن ساخته شده است و ضلع غربی خالی از هر گونه بنایی است.

کوچه رحمانیه ۱۷

منطقه ۱۲ - محله رحمانیه

مجموعه ورزشی دانش‌آموزان استثنایی به همت سازمان تجهیز و نوسازی مدارس کشور در سال ۱۳۹۴ احداث شده و برای توان‌یابان مناسب‌سازی شده است.

پیش‌دبستانی تبسم ۲، مرکزی برای آموزش‌های مقدماتی به کودکان توان‌یاب است که در دو شیفت میزبان دانش‌آموزان دختر و پسر است.

مجتمع تجاری امین حدود هشت سال پیش در انتهای رحمانیه ۱۷ به بهره‌برداری رسید. در حدود ۵۰ واحد تجاری این مجتمع از لوازم خانگی تا پوشاک و مواد خوراکی فروخته می‌شود.

زمین‌های خالی ضلع شرقی این معبر از مشکلات موجود است که در ساعات پایانی شب از سگ ولگرد گرفته تا شغال در آن تردد می‌کنند.

تصویر عکس: رسول کارگر/شهرآرا

